

حرف درشت

درس‌هایی از فرانسه:

چرا سندیکا بد است؟

● **پوریا عالمی:** واقعا که اساتید حق دارند با سندیکا و انجمن صنفی و این‌قبیل قرتی‌بازی‌ها حال نکنند، چون اصلا فایده ندارد. به نظر ما تنها انجمن یا سندیکا و صنفی که برای ایران مفید است همین حزب کار است که به‌عنوان بنگاه کوچک زودبازده چند نفر را سر کار گذاشته و آنها راضی‌اند. خلاصه ما در سفرمان به فرانسه متوجه شدیم، سندیکا مفید نیست و شدیداً طرفدار سیاست‌های وزارت کار ایران شدیم. چطوری؟

۱- ما خواستیم اتوبوس سوار شویم و برویم لوور، گفتند رانندگان اتوبوس به دلیل حقوق پایین، اعصاب کرده‌اند و شهر خوابیده.

۲- گفتیم قطار سوار شویم، آن اقاهه که می‌آید توی واگن و بلیت را سوراخ می‌کند به علت سوبسید، اعصاب کرده.

۳- پیاده رفتیم موزه، مجسمه‌های پیش از میلاد مسیح به نشانه اعتراض به مجسمه‌های بعد از میلاد مسیح اعصاب کرده بودند و کف زمین نشسته بودند.

۴- سر ستون تخت‌جمشید هم به نشانه اعتراض اعصاب کرده بود و روش را کرده بود به دیوار.

۵- رفتیم آب بخوریم، آب قطع بود چون لوله‌کش‌ها به نتایج بازی لیگ فوتبال اعتراض داشتند.

۶- توی هر کوچه فرانسه یک جنبش آغاز به کار کرده بود که شهر را متلاطم کرده بود.

۷- کف روی کاپوچینو هم به علت نداشتن بیمه تأمین اجتماعی و قرارداد استخدام دائم، دست از کف‌کردن برداشته و جامعه فرانسه را نگران کرده بود.

۸- دولت و مجلس و شهرداری فرانسه به‌شدت برای حل مشکلات صنفی بالا و دیگر مردم فرانسه زحمت می‌کشیدند و این خیلی عجیب بود چون دولت و مجلس کارهای مهم‌تری مثل تبلیغات انتخاباتی دارند و دلیلی ندارد وقت گرانبهایشان را صرف مسائل پیش‌پاافتاده‌ای مثل مشکلات مردم کنند.

حرف درشت

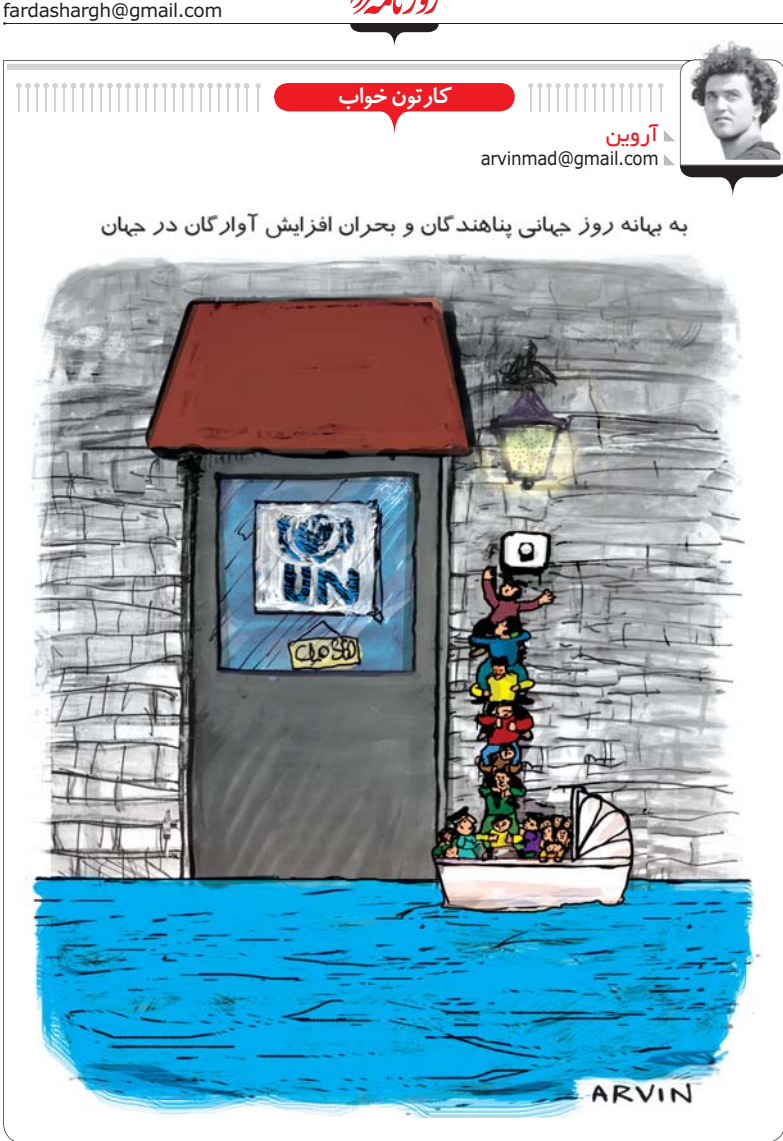
با توجه به موارد بالا، ما طرفدار وزارت کار، حزب همیشگی کار و هر چیز سر کاری دیگری هستیم! و در واقع با هر انجمن صنفی و سندیکا مخالفیم، به‌خصوص انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، سندیکای کارگری و هر چیزی از این دست.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۳۱ خرداد ۱۳۹۶ • ۲۶ رمضان ۱۴۳۸ • ۲۱ ژوئن ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۹۳ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۹

روزنامه‌فرو



به بهانه روز جهانی پناهندگان و بحران افزایش آوارگان در جهان



امان‌الله قرانی‌مقدم
جامعه‌شناس

هفته قوه قضائیه که از اولین روز تیر آغاز می‌شود، فرصتی برای گفت‌وگو درباره مفهوم «عدالت» در حوزه‌های مختلف است. اگر بخواهیم «عدالت» را در لغت بررسی کنیم، به سادگی به تعابیری مانند «نظم» و «ادب» و «دادگری» می‌رسیم؛ اما هر چقدر جوامع ما از حالت سنتی خود فاصله گرفته‌اند و در طول زمان دست‌خوش تغییرات اساسی در ساختار و خلق و خوی مردم شده‌اند، تعابیری مانند عدالت نیز معنای تازه‌ای یافته‌اند. عدالت در تقابل با «جرم» و «مجرم» یکی از مهم‌ترین جلوه‌گاه‌های این تعابیر تازه است.

«لامارتین»، نویسنده، شاعر و سیاست‌مدار فرانسوی، در سال ۱۸۳۷ هنگامی که مجلس نمایندگان ابراز هرگونه ترحم و دلسوزی را درباره بزهکار محکوم به مرگ رد می‌کرد، شعر پرشوری سرود که به نظر من سرآغازی در تعریف مفهوم معاصر عدالت است: «این مرگ نیست که باید مردم را از آن در هراس داشت، بلکه زندگی است که باید احترام به آن را به همه

زیر آسمان شهر

«ماه‌عسل» به حاشیه‌رفت

● **شرق:** این روزها و هم‌زمان با پخش برنامه «ماه‌عسل» احسان علیخانی نامش بیشتر شنیده می‌شود، هم به دلیل اینکه تتلوو او را مورد اتهام قرار داده و ارشاد کرده و هم اینکه در ماجرای کمپین آزادی زندانیان به‌گونه‌ای همه حقیقت را نگفت. علیخانی در نوزدهمین برنامه ماه عسل میزبان افرادی بود که از آنها به‌عنوان زندانیان جرائم غیرعمد یاد کرد. کسانی که به دلیل بدهی یک‌میلیونی یا پنج‌میلیونی سال‌هاست در زندان به سر می‌برند و از مردم برای آزادی‌شان درخواست کمک کرد. در فرصتی کوتاه ۲۵۵ هزار نفر از مردم مبلغی معادل سه‌میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان کمک کردند. این کمک‌ها به‌سرعت ادامه داشت؛ به‌طوری‌که علیخانی اعلام کرد ۱۲ میلیارد تومان تاکنون جمع‌آوری شده است؛ اما یک موضوع مبهم بود که خیرگزاری‌ها به سراغ آن رفتند و بررسی کردند. اینکه طبق روال این یکی، دو سال گذشته ستاد دیه اعلام کرده است: «اصلاً زندانی جرائم غیرعمد با بدهی زیر ۱۰ میلیون تومان در زندان‌ها نداریم». بلافاصله این سؤال مطرح شد که پس این افراد چه کسانی هستند؟ مدیرعامل ستاد دیه در واکنش به پخش این برنامه گفت: «من به‌شدت این موضوع را تکذیب می‌کنم و از تهیه‌کننده و کارگردان ماه‌عسل تقاضا دارم واقعیت را بگویند. مجری برنامه باید به مردم بگوید که میهمانی که دعوت کرده‌ایم، جرم عمد دارند و جرمشان سرقت، جعل، کلاهبرداری و... است؛ اما با توجه به اینکه چند سال است زندانی هستند، می‌خواهیم به آنها کمک کنیم تا آزاد شوند». او حتی اعلام کرد که «درحال حاضر ما زندانی جرائم غیرعمد زیر ۲۲ میلیون تومان در زندان‌های کشور نداریم».

البته علیخانی در روز بعد هم تصمیم نگرفت که تمام حقیقت را به مردم بگوید و کلمه عمد را در ابره لغاتش استفاده نکرد. او گفت: «مردم شما کسانی را آزاد کردید که به دلیل اشتباه یا حتی اتهامی برای آنها شکایتی طرح شده و قاضی قرار گذاشته که آن آدم پول را پرداخت کند. در این قرار فرد به حبسی محکوم شده که پس از اتمام آن مدت هم باز نتوانسته مبلغ مذکور را پرداخت کند و به دلیل نداشتن تمکن مالی سال‌های بعد از آن را هم در زندان گذرانده است». به گزارش مشرق او نبود راست‌گویی یا خیرخواهی‌اش را این‌گونه توجیه کرد: «به‌عنوان کسانی که در این کمپین شرکت داشتید، به یک اولویت‌بندی که صورت گرفته، رسیدید؛ به‌این‌ترتیب که به کسانی کمک می‌کنید که فقط یک مرتبه پایشان به زندان باز شده و قطعاً شما به آنها فرصت دوباره داده‌اید». دراین‌میان سؤال‌هایی مطرح است ۱- چرا علیخانی به‌تنهایی تصمیم گرفت بخشی از واقعیت را بگوید؟

۲- آیا این رفتار و نگرش علیخانی به اعتماد مردمی آسیب نمی‌زند؟

۳- آیا در کمپین‌های دیگر باز هم مردم با همین اعتماد به کمک خود ادامه خواهند داد؟

۴- آیا اگر علیخانی با مردم روراست بود، آنها کمک نمی‌کردند؟

سلام به فردا

جامعه پیشگیرانه و عدالت برای همه

زمینه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جرم آگاهی‌های لازم را دارند، به‌درستی می‌دانند که هدف از دادرسی گرفتن انتقام نیست؛ بلکه رعایت عدالت است؛ بنابراین نخست، این عدالت را در برخورد انسانی با فرد بزهکار می‌بیند و سعی می‌کنند دریابند که چطور او از عوامل گوناگون اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی صدمه دیده و اکنون در جایگاه متهم پرونده نشسته است.

درنهایت به نظر می‌رسد پیش از آنکه مجرم یا بزهکاری بخواهد براساس قانون به مجازات برسد تا به اصطلاح عدالت درباره او انجام شود، جامعه نیازمند آن است که از بدل‌کردن شهروندانش به مجرم یا بزهکار، تا حد امکان جلوگیری کند و در مسیر تحقق عدالت واقعی و همه‌گیر گام بردارد. کشف علل ناهنجاری‌ها و اعمال ضداجتماعی و ریشه جرائمی که مجرمان مرتکب آن می‌شوند، نیازمند بررسی و مطالعه دلسوزانه و عمیق است تا براساس آن، جامعه با رویکردی پیشگیرانه، هم معنای عدالت را در خود نهاده‌یند و هم دادگاه‌ها از افراد بزهکار و مجرمانی که در حقیقت مصلول پدیده‌های تلخ اجتماعی هستند و نه علت آن، خالی‌تر شود. عدالت واقعی را در چنین جامعه‌ای بهتر می‌توان درک کرد و محترم شمرد.

روزنامه‌نگاری پشت چراغ قرمز

خواب آشفته یک رئیس‌جمهور!

دیگر زد که همه به مشکل برخوردند. او غافل از اینکه هر اقدامی در مقام فرماندهی کل قوا می‌تواند او را در مظان اتهام قرار دهد و رسوایی به بار آورد، اقدام به بسیاری از کارها کرد که هیچ‌یک از دید رسانه‌ها پنهان نماندند؛ از جمله پنهان‌کردن رابطه «مایک فلین» با روسیه که با سوگند دروغ او همراه بود و در نهایت با رسوایی ناچار به اخراج او از کاخ سفید شد! بدتر از آن برکناری ناگهانی رئیس ادبی‌ای که زیر فشار ترامپ حاضر به خودداری از تحقیق درباره رابطه کمپین انتخاباتی ترامپ با کاخ کرملین نشد! و این اواخر که خودش اعتراف کرد تحقیقات به او هم رسیده است! ترامپ در تمامی روزهایی که به قدرت رسیده، بحران آفرینی کرده است. او به‌دلیل خودشیفتگی ذاتی‌اش مدام در پی جلب‌توجه است؛ از کنارزدن این مقام بلندپایه مقنونه برای ایستادن در صف اول در یک مراسم رسمی گرفته تا پیش‌افتادن از همسرش به هنگام پیاده‌شدن از هواپیمای و جلب‌توجه‌کردن با توییت‌های جنجالی و بسیاری از رفتارهای عجیب‌وغریب خارج از عرف! حالا لااقل «تاک شوهای» تلویزیونی موضوعی برای خندانن مردم پیدا کرده‌اند، موضوعی خنده‌دار که می‌تواند ساعتی مردم را سرگرم کند.

درنهایت مردم آمریکا با این موجود چه می‌خواهند بکنند؟ او که هیچ چیز از الفبای سیاست نمی‌داند چگونه می‌خواهد اداره کشوری با آن سابقه تاریخی را برعهده بگیرد؟ آیا آنها می‌توانند فردی را در کاخ سفید تحمل کنند که مدام در حال مسخره‌شدن است؟ در همین مدت کوتاه کاریکاتورهای فراوانی از او کشیده‌اند و در برنامه‌های پربیننده تلویزیونی زیادی به‌کرات مسخره‌اش کرده‌اند و در مراسم‌های مختلف پرمخاطبی نظیر گلدن‌گلوب و اسکار به‌دفعات روی صحنه ریشخندش کرده‌اند. او رفته‌رفته در حال تبدیل‌شدن به مسخره‌ترین چهره سیاسی تاریخ آمریکاست.

راننده ناشی ماشین سیاست کاخ سفید، زیگزاک و به‌هم‌ریخته رانندگی می‌کند! او با همین دست‌فرمان ناشیانه از روی بسیاری از تعهدات دولت قبل عبور کرده است و قصد دارد همچنان از روی بقیه هم بگذرد. هیچ تعهدی نزد او موجه نیست؛ حتی همان تعهدی که خود داده است! عجیب نیست که دستگاه دیپلماسی او هم مانند خودش ناشیانه عمل کند و حرف‌های بی‌ربط بزند؛ مثل همین حرف اخیر که از تغییر رژیم در ایران گفته است! لابد راننده ناشی می‌داند که با همین دست‌فرمان یا به دیواره کوه می‌خورد یا سر از دره درمی‌آورد. مردم عاقل آمریکا تا دیر نشده لابد فکری به حال این موجود خاوند کرد، پیش از آنکه آنها را به دره هول بیندازد!



مهرداد حجتی

از همان روز نخست که بر سر کار آمد معلوم بود که در سیاست «تازه‌کار» است؛ فردی کاملاً «ناشی» که مثل یک راننده «بدون تصدیق» می‌خواهد پشت «رل» ماشین عظیم اداره یک کشور بنشیند و آن را براند! اما به کجا؟ شاید به کسی که تا پیش از ورود به «کاخ سفید» حتی یک روز هم تجربه سیاسی نداشت به‌یک‌باره شده بود فرد اول مملکتی که سال‌ها ادعای راهبری سیاسی جهان را داشته است! این اتفاق؛ یعنی ورود «ترامپ» به کاخ سفید به خودی خود می‌تواند مهم‌ترین و عجیب‌ترین رویداد تاریخ سیاسی آمریکا باشد. بیشتر از این‌رو که با توجه به تجربه درازمدت دو حزب با سابقه آن کشور و تلاش آنها برای ایجاد تعادل در عرصه قدرت، اینک فردی به قدرت رسیده که حتی با معیارهای مرسوم آن دو حزب هم‌خوانی ندارد! و شکفت آنکه او اصلاً به «دیپلماسی» اعتقادی ندارد! لابد تا‌به‌حال همه دانسته‌اند که او ورای هر قانون و چارچوبی، ساز خود را می‌زند و خر خود را می‌راند. او هرچه به ذهن پریشان و آشفته‌اش می‌رسد یا بر زبان می‌آورد یا آن را وقت و بی‌وقت «توییت» می‌کند! کاری هم ندارد که این رفتار با عرف سیاسی سازگار باشد یا نباشد. او کار خودش را می‌کند. آن‌قدر در رفتارهای دور از انتظار بی‌پرواست که در اغلب ملاقات‌ها به‌وضوح بی‌هیچ شرمی آنها را بروز می‌دهد! کاربنودار سابق با آن سابقه پرمسئله، یک‌شبه شده است رئیس‌جمهور قدرتمندترین کشور دنیا! اتفاقی دور از انتظار که تا پیش از این حتی خوابش را هم نمی‌دید! فردای انتخابات وقتی همه مردم آمریکا از خواب برخاستند با یک کابوس روبه‌رو شدند؛ کابوسی واقعی که قرار بود با آن زندگی کنند.

موجودی عجیب کاخ سفید کشورشان را اشغال کرده بود! موجودی ناشی که به‌یک‌باره پشت فرمان سیاست نشسته بود و می‌خواست هرطور که می‌لش کشید براند؛ راندنی ناشیانه که قرار بود کلی هزینه روی دست نه‌تنها یک ملت که روی دست همه جهان بگذارد. او از همان ابتدا ناشیگری‌اش را به رخ کشید. دستور مهم ممنوع‌الورودکردن شهروندان شش کشور که با مخالفت قضات روبه‌رو شد، ناشیگری‌اش را بدجور به رخ کشید. هرچند او از رو نرفت و به تصور اینکه می‌تواند همچون گذشته بنا به عادت با تطمیع یا ارباب موانع را از پیش‌رو بردارد، دست به اقداماتی

شیرخوارگاه‌آمنه

در روزهای گذشته، مسئولان زیادی از برنامه‌ها و فعالیت‌هایی با حضور کودکان کار، کودکان بی‌سرپرست و کودکان تحت حمایت بهزیستی دیدار کرده‌اند. اما دو دیدار به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفته است؛ یکی دیداری که شهردار تهران از کودکان کار انجام داد و در این

پرنده آبی

حالا اتفاقی دیگر افتاده است؛ در حالی مسئول سازمان بهزیستی و جمعی دیگر از شیرخوارگاه آمنه دیدار کردند که کودکان در گهواره کنار دیوارها قرار گرفته بودند. انکار آنها اتاقی نداشته‌اند، انکار قرار بود عرضه شوند و کسی آنها را خریداری کند. این تصاویر با واکنش‌های منفی بسیاری مواجه شده‌اند.